



سیمای اخلاقی و ایثار امام حسن مجتبی(ع) در پرتو قرآن و سنت

آیات ۵ تا ۹ سوره انسان، تصویری روشن از صفات ابرار ارائه می‌دهند؛ افرادی که برای رضای خداوند، نیازمندان را بی‌چشم‌داشت یاری می‌کنند...

آیات ۵ تا ۹ سوره انسان، تصویری روشن از صفات ابرار ارائه می‌دهند؛ افرادی که برای رضای خداوند، نیازمندان را بی‌چشم‌داشت یاری می‌کنند و نذرها و تعهدات خود را با صداقت تمام ادا می‌نمایند. بررسی روایات و سیره امام حسن مجتبی(ع) نشان می‌دهد که ایشان نه تنها در اخلاق و انفاق، الگویی عملی بودند، بلکه با اقدام‌های حکیمانه و آگاهانه، مردم را به فضایل عملی و حق‌نوازی هدایت می‌کردند و آموزه‌های قرآن را در زندگی روزمره خود جاری ساختند.

امام حسن مجتبی(ع) سیمای امام حسن مجتبی(ع) در تاریخ اسلام، تنها در عرصه سیاست و حوادث پرچالش عصر اموی خلاصه نمی‌شود، بلکه ریشه در منظومه‌ای عمیق از آموزه‌های قرآنی، اخلاقی و اجتماعی دارد. آیاتی از قرآن کریم، به ویژه در سوره انسان، تصویری از «ابرار» ترسیم می‌کنند که با ایثار، وفای به تعهد، انفاق بی‌منت و اخلاص در عمل شناخته می‌شوند؛ اوصافی که در سیره عملی امام حسن(ع) جلوه‌ای عینی و تاریخی یافته است.

بازخوانی روایات مربوط به سبب نزول این آیات و سنجش آن‌ها با معیارهای قرآنی، ما را به فهمی دقیق‌تر از جایگاه آن حضرت در فرهنگ وحی رهنمون می‌سازد. از سوی دیگر، بررسی گزارش‌های تاریخی درباره انفاق، صلح، امر به معروف و حتی شیوه زیست فردی ایشان نشان می‌دهد که چگونه شخصیت امام حسن(ع) در طول تاریخ، گاه در معرض تحریف و جعل قرار گرفته و نیازمند بازخوانی نقادانه است.

در همین خصوص محسن رجبی قدسی، عضو هیئت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، یادداشتی در اختیار خبرگزاری ایکنای خراسان رضوی، قرار داده است، که در ادامه می‌خوانیم؛

از آیاتی که به طور معمول در موضوع سیمای امام حسن(ع) در قرآن به آن استشهد می‌شود، آیات ۵ تا ۹ سوره انسان است: «إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا. عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيرًا. يُوفُونَ بِالَّذَرِّ وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرًّا مُسْتَطِيرًا. وَيَطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حَيْثُ مَسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا. إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا».

روایات سبب نزول ذیل این آیات همگون و همداستان نیستند. مشهور آن است که پس از بیماری حسنین(ع)، امام علی(ع) به پیشنهاد عمر بن خطاب که به عیادت آن دو آمده بود، همراه حضرت زهرا(س) و فضا برای شفای حسنین، سه روز روزه نذر کردند. با شفا یافتن حسنین، وقت ادا نذر رسید، ولی در منزل علی(ع) چیزی برای خوردن وجود نداشت. امیرمؤمنان علی(ع) سه صاع (حدود سه من) جو از شمعون یهودی در ازای رسیدن پشم قرض گرفت. حضرت فاطمه(س) یک صاع از آن را آرد کرد و از آن به تعداد افراد خانواده، پنج قرص نان فراهم نمود. علی(ع) نماز مغرب را خواند و به منزل آمد؛ هنگام افطار، مسکینی آمد و از آن‌ها کمک خواست. همه غذاهای خود را به او دادند و آن روز و شب چیزی نخوردند.

روز دوم نیز روزه گرفتند. حضرت فاطمه(س) صاع دیگری از آرد را نان پخت و هنگام افطار، یتیمی آمد و آن‌ها همانند شب گذشته همه غذاهای خود را به او دادند. روز سوم نیز روزه گرفتند و هنگام افطار، اسیری آمد و مانند روزهای قبل همه غذاها را بخشیدند. آن‌ها در این سه روز جز آب چیزی نخوردند. در روز چهارم، حضرت علی(ع) حسنین(ع) را که از شدت گرسنگی مانند دو جوجه بی‌بال و پر می‌لرزیدند، نزد پیامبر اکرم برد. رسول خدا با دیدن این صحنه گریان شدند و به منزل فاطمه(س) رفتند. با دیدن ضعف و گریه فاطمه(س)، با صدایی گریان دعا کردند: «اللهم أشبع آل محمد». جبرئیل نازل شد و اذن ابلاغ و قرائت آیات ۵ تا ۹ را به پیامبر اکرم اعلام نمود(تفسیر فرات کوفی، ص ۵۱۹&۵۲۵;ndash).

آیت الله معرفت، مفسر و قرآن‌پژوه معاصر، با بررسی سند و محتوای روایات سبب نزول، تنها روایت علی بن ابراهیم قمی به نقل از امام صادق(ع) در تفسیر قمی را صحیح می‌داند. بر اساس آن، حضرت زهرا(س) با آرد کردن جو، حلوابی خوشبو و لذیذ به نام «عصیده» درست کردند. وقتی بر سر سفره نهادند، بینوایی آمد و درخواست طعام کرد؛ مولا امیرمؤمنان(ع) یک سوم آن را به او داد؛ سپس یتیمی آمد و یک سوم دیگر و یک سوم پابانی همان روز به اسیر بخشیده شد («حدیث ایثار»، کتاب شاخه‌های شوق، ص ۵۷۳&۵۸۰;ndash).

در ادامه روایت، علی بن ابراهیم قمی، ۱۸ آیه‌ای که در سوره انسان در وصف ابرار آمده، برای هر مؤمنی که مانند مولا علی(ع)

برای خدا عمل کند، صادق و جاری می داند: «و هِيَ جَارِيَةٌ فِي كُلِّ مُؤْمِنٍ فَعَلَّ مِثْلَ ذَلِكَ لِئَلَّا عَزَّ وَ جَلَّ» (تفسیر قمی، ۳۹۸/۳؛ ndash).

دقت شود که در حدیث امام صادق(ع)، سخنی از بیماری حسنین(ع)، نذر سه روز روزه حضرت علی(ع) و حضرت فاطمه(س)، سه شب غذا بخشیدن، فقط با آب افطار کردن، قرض گرفتن جو از شمعون یهودی و پختن نان با آن در مقابل ریسیدن پشم نیست. بنابراین، «یوفون بالنذر» یعنی ابرار نسبت به مشکلات و مسائل اطراف خود بی تفاوت نیستند و برای رفع و حل آن ها بدون هیچ چشم داشتی و فقط برای رضای خدا داوطلبانه اقدام می کنند. در آیه ۸ سوره انسان به عنوان مثال از اطعام مسکین، یتیم و اسیر یاد شده است.

به عبارت دیگر، نذر ابرار همان تعهد و مسئولیتی است که داوطلبانه و آگاهانه بر خود واجب می کنند تا به نیاز نیازمندان پاسخ شایسته و خداپسندانه بدهند و در قبال این اقدام هیچ پاداش و اجری از مردم نمی طلبند. عمل خیر و نیک آنان هرگز به زبان آورده نمی شود تا از هر گونه منت گذاشتن و آزار دادن مصون باشد و صدقه خالصانه آنان ابطال نشود.

علی بن زید گفته است: «... وَحَرَجَ مِنْ مَالِهِ لِئَلَّا مَرَّتَيْنِ، وَقَاسَمَ اللَّهُ مَالَهُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ، حَتَّى أَتَتْهُ كَانَتْ لِيُعْطِي تَعْلًا وَيَأْخُذُ تَعْلًا» (بلادری، انساب الأشراف، ۹/۳)؛ بنابراین مشهور، امام حسن(ع) دو نوبت، کل اموالش را در راه خدا انفاق کردند و در سه نوبت اموال خود را نصف کردند و نصف اموال را در راه خدا بخشیدند.

ائمه طاهرين(ع) تعلیم داده اند که هر گزارش و روایتی که از ما به شما می رسد، قبل از پذیرش، حتماً آن را با قرآن بسنجید تا درستی یا نادرستی آن مشخص شود. قسمت نخست گزارش بالا با آموزه های قرآن که دعوت به میانه روی در انفاق کرده، ناسازگار است و قابلیت اسوه شدن ندارد؛ زیرا با دو آیه ۶۷ سوره فرقان: «وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا» و آیه ۲۹ سوره اسراء: «وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَحْسُورًا» همخوان نیست.

بنابراین، کسانی که این مطالب را جعل کرده اند، قصدشان خدمت به امام حسن مجتبی(ع) نبوده است، بلکه احتمالاً معاویه و همدستانش برای القای این تصور که امام حسن(ع) از بیت المال برخوردار بوده و اگر همه اموالش را ببخشد آسیبی نمی بیند، چنین اخبار دروغینی را ساخته اند.

امام حسن(ع) همانند همه ائمه، بسیار سخاوتمند و اهل رسیدگی به نیازمندان بودند. بنابراین، «حَرَجَ مِنْ مَالِهِ لِئَلَّا مَرَّتَيْنِ» به معنای بخشش کل اموال نیست؛ بلکه «مَرَّتَيْنِ» به معنای «مره بعد مره» است؛ یعنی امام حسن(ع) نه تنها در دو نوبت، بلکه همواره بخشی از اموالش را در راه خدا انفاق می کردند. متارکه جهاد به دلیل نبود مجاهد فی سبیل الله

اینکه یعقوبی و مسعودی از مورخان متقدم شیعی، متعرض مواد صلح نامه امام حسن مجتبی(ع) نشده اند و اینکه گزارش های منابع بعدی درباره مواد صلح نامه بسیار مضطرب و پریشان و ناهمگون است، این پرسش را در ذهن تداعی می کند که آیا واقعاً امام حسن(ع) با معاویه صلح کرد؟ یا چون مجاهدی در کنار امام حسن(ع) نبود تا با معاویه مبارزه کند، حجت بر امام حسن(ع) تمام شد و به قول امام علی(ع) به دلیل نبود «حضور حاضر»، افسار شتر خلافت را بر کوهانش انداختند: «لَوْ لَا حُضُورُ الْحَاضِرِ وَ قِيَامُ الْحُجَّةِ يُوْجِدُ النَّاصِرَ وَمَا أَخَذَ اللَّهُ عَلَى الْعُلَمَاءِ أَلَّا يُقَارُوا عَلَى كَيْفَةِ ظَالِمٍ وَ لَا سَعَبٍ مَظْلُومٍ لِأَلْفَيْتِ حَبْلَهَا عَلَى عَارِيهَا» (نهج البلاغه، خطبه ۳)؛ اگر حضور حاضر و تمام بودن حجت بر من به خاطر وجود یاور نبود، و اگر نبود عهدی که خداوند از دانشمندان گرفته که در برابر شکم بارگی هیچ ستمگر و گرسنگی هیچ مظلومی سکوت نکنند، دهنه شتر حکومت را بر کوهانش می انداختم.

امام حسن(ع) فرمودند: معاویه ما را دعوت به کاری کرده که عزت و انصافی در آن نیست، پس اگر آماده [جهاد] و مرگ در راه خدا هستید، پیشنهاد او را به خودش برگردانیم و محاکمه او را به خدا واگذاریم: «وَ إِنِّ مَعَاوِيَةَ قَدْ دَعَا إِلَىٰ أَمْرٍ لَيْسَ فِيهِ عِزٌّ وَ لَا نَصْفَةٌ؛ فَإِنَّ أَرَدْتُمْ الْمَوْتَ رَدَدْتَاهُ إِلَيْهِ، وَ حَكَمْتَاهُ إِلَى اللَّهِ»؛ مردم در پاسخ امام حسن(ع) یکصدا گفتند: می خواهیم زنده بمانیم، می خواهیم زنده بمانیم: «فَنَادَاهُ الْقَوْمُ مِنْ كُلِّ جَانِبِ الْبَقِيَّةِ الْبَقِيَّةَ». از این رو، امام(ع) فرمودند: «معاویه پنداشته است که من او را شایسته خلافت دانسته و خود را سزاوار آن ندیده ام. معاویه دروغ می گوید. به خدا سوگند در کتاب خدا و در سخنان رسول خدا شایسته ترین فرد برای مردم من هستم. به خدا سوگند که اگر مردم با من بیعت می کردند و مرا اطاعت و یاری می دادند، آسمان بارانش و زمین برکتش را به آنان عطا می نمود، و تو ای معاویه هرگز طمع خلافت بر مردم نمی کردی». خلافت حق من است: «وَ إِنِّ هَذَا الْأَمْرُ ... حَقٌّ كَانَتْ لِي». به فرمایش امام باقر(ع)، امام حسن(ع) آگاهانه خلافت را رها کردند و اگر چنین نمی کردند، امر بزرگی رخ می داد (علل الشرایع، ۲۱۱/۱). امر به معروف و نهی از منکر، آمرانه یا عملی؟

در هشت آیه از قرآن کریم، امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یکی از وظایف مهم مسلمانان که برخی از اهل کتاب و صاحبان حکمت نیز به آن عمل می کردند، یاد شده است (لقمان، ۱۷؛ حج، ۴۱؛ توبه، ۱۱۲، ۷۱؛ اعراف، ۱۵۷؛ آل عمران، ۱۱۰، ۱۱۴، ۱۰۴). تاکنون فهم اشتباه و عمومی مسلمانان از این آموزه الهی این بوده که مردم را با زبان به خوبی ها و نیکی ها فرمان دهند و آنان را از زشتی ها و بدی ها با زبان نهی کنند.

تحقیق موضوعی این مسئله در قرآن و مجموعه احادیث و سیره و سنت پیامبر اکرم و ائمه طاهرين(ع) نشان می دهد که این آموزه پیش و بیش از اینکه بخواهد آمرانه و ناهیانه با زبان انجام بگیرد، یک نوع بسترسازی و ایجاد زمینه برای آگاهی بخشی عملی به مردم است تا خودشان بتوانند در فضایی همدلانه و صمیمانه، حکیمانه و دلسوزانه، و سرشار از مهر و عطوفت، منکر را از معروف، خوب را از بد، درست را از نادرست، سالم را از ناسالم، فایده را از ضرر، سعادت را از شقاوت، عزت را از ذلت، علم را از جهل، زیبایی را از زشتی، زایایی و پیشرفت را از ایستایی و پسرفت، تشخیص و تمییز دهند و گزینش و انتخابشان درست و سازنده، و آگاهانه و مسئولیت آور باشد.

امام حسن و امام حسین(ع)، وضو گرفتن نادرست پیرمردی را مشاهده کردند. آن دو برای آگاهی دادن پیرمرد شروع به وضو گرفتن کردند و هر کدام می گفتند: وضوی من صحیح تر است. آنگاه به پیرمرد گفتند: ما دو نفر وضو می گیریم، شما بگویید وضوی کدام یک از ما بهتر و درست است؟ پیرمرد پس از دیدن وضوی آن دو گفت: شما هر دو خوب وضو گرفتید، ولی این پیرمرد جاهل درست وضو نمی گرفت. اکنون وضوی درست را از برکت شفقت و مهربانی شما دو برادر آموختم (بحار الانوار، ۳۱۹/۴۳).

البته این وظیفه همان طور که برای همه انسان هایی که به معروف و منکر و وضعیت مخاطب خود علم و آگاهی دارند، عام و فراگیر است، در بسیاری از حوزه ها و عرصه های گوناگون جامعه، امری تخصصی و ویژه افراد خاصی است که دانش و تخصص، و توان و مقبولیت لازم برای انجام دادن آن دارند تا بتوانند هنجارها، سنت ها، آیین ها، قوانین، نظام ها و سیستم هایی را طراحی کنند که مردم با قرار گرفتن در آن مسیرها خودبه خود عامل به معروف و پیشرو باشند و از منکرها دور.

این کارگروه های ویژه با رصد فضاهای مختلف زندگی اجتماعی، معروف ها را بر اساس موقعیت و شرایط زمانی و مکانی و نوع مخاطبان در دسترس عموم مردم قرار می دهند تا مردم عملاً در مسیرها و شیوه های منکر و ناشناخته و انتخاب های آسیب زا قرار نگیرند: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (آل عمران، ۱۰۴).

امویان و عباسیان با انگیزه های مختلف به تحریف و جعل احادیث گسترده برای ترور شخصیت امام حسن(ع) روی آوردند؛ از جمله همسران فراوانی را از ۵۰ تا ۷۰۰ زن برای آن حضرت بر ساخته اند. در حالی که امام چهار همسر شناخته شده داشته است: خوله، جعده، ام اسحاق و ام بشیر؛ خوله با محمد بن طلحه ازدواج کرده و دو فرزند از او داشت و بعد که مطلقه شد، امام مجتبی(ع) با وی ازدواج کردند.

قرآن مسئله چندهمسری برای مردان مسلمان را در سوره نساء، آیه ۳ مطرح کرده است: «وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَىٰ وَثُلَاثَ وَرَبَاعًا فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَٰلِكَ أَدَّتْكُمْ أَلَّا تَعُولُوا». این آیه مرکب از یک جمله شرط و یک جزای شرط است؛ جمله شرط: «وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ» (اگر بی مناکید که در حق یتیمان نتوانید آن گونه که شایسته است به عدل و انصاف رفتار کنید). جزای شرط: «فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَىٰ وَثُلَاثَ وَرَبَاعًا» (پس در آن صورت، از میان زنانی که می پسندید، دو و یا سه و یا چهار تن را به همسری درآورد).

ارتباط این دو جمله کاملاً آشکار است. این آیه در مقام بیان علاج و راه حل مشکل یتیمان است و یک راهکار اجتماعی و اساسی ارائه می دهد. اگر می ترسید و بیم آن را دارید که نتوانید حق یتیمان را به نحو شایسته ادا کنید، به خاطر آنان و به منظور دلجویی بهتر، اگر مادر دارند، با مادرانشان ازدواج کنید (با رضایت همسر اول و برای ازدواج سوم، دو همسر قبلی … تا آنان سایه پدر را بر سر خود احساس کنند و شما نیز با خاطری آسوده به امور آنان رسیدگی کنید و آنان را همچون فرزند نسبی خود بدانید.

و اگر از نعمت مادر محرومند، از زنانی که می دانید در حق آنان دلسوز خواهند بود همسر بگزینید، تا آنان سایه پدر و مادر هر دو را بر سر خود احساس کنند. به این ترتیب می توانید قسط و عدل را در حق یتیمان برقرار کنید.

از این آیه به روشنی می توان دریافت که تعدد زوجات، نه برای هوسرانی و شهوترانی، بلکه صرفاً برای هموار ساختن راه یتیم نوازی و در راستای اقامه قسط در حق آنان، تشریح شده است.

متأسفانه، گروهی از مفسران فائلند که میان دو قسمت این آیه شریفه هیچ ربطی وجود ندارد و اکثریت قریب به اتفاق مفسران،

کلمه «یتامی» در آیه را به «دختران یتیم» تفسیر کرده و آیه را اشتباه معنا کرده اند (کتاب روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم، ص ۱۵۰ و ۱۵۱، قم: بوستان کتاب، ۱۳۹۱). امام حسن (ع)، حجّهای فراوانی را پیاده به جا آوردند، با اینکه امکان استفاده از اسب و شتر را داشتند: «… عن علي بن زيد بن جدعان قال: حجّ الحسن بن علي خمس عشرة حجة ماشياً وإن النجائب لتقاد معه».

در واقع، امام به فراز نخست آیه ۲۷ سوره حجّ عمل کردند: «وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَاأَيُّهَا رَجُلَا وَعَلَىٰ كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ»؛ ابراهیم، مردم را برای حج از همه جای کره زمین حتی از دورترین نقاط و دره های عمیق فراخواند تا پیاده (رجالاً) و سوار بر مرکب های لاغراندام چابک (علی کلّ ضامر) نزد او آیند، تا زمینه دریافت آثار و برکات حج فراهم گردد: «لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَّعْلُومَاتٍ»؛ سیر بر روی زمین یکی از منافع مهم حج است که با شروع سفر برای حج آغاز می شود.

ابن عباس گفته است: «ما أسيت على شيءٍ فاتني، إلا أنني لم أحمّ ماشياً حتى أدركني الكبر أسمع الله تعالى يقول: "يَأْتُونَكَ رَجَالًا وَعَلَىٰ كُلِّ ضَامِرٍ" فبدأ بالرجال قبل الركبان». امام صادق (ع) در پاسخ به پرسش حلبی از فضیلت حج پیاده فرمودند: «إِنَّ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ … حَجَّ عِشْرِينَ حَجَّةً مَّاشِيًا عَلَىٰ قَدَمَيْهِ»؛ حسن بن علی (ع) بیست بار حج را پیاده برگزار کرد.

ایکنا